

بزرگداشت دکتر منوچهر فرهنگ

به قلم: دکتر فرشته نواده

دکتر منوچهر فرهنگ، متولد ۱۲۹۸، زاده‌ی بابل، پرورنده‌ی گرگان، دانش‌آموخته‌ی دانشگاه تهران (کارشناسی حقوق، ۱۳۲۶) و سوربن (دکتری دولتی اقتصاد، ۱۳۴۴)، رییس دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه ملی سابق (شهید بهشتی کنونی)، مؤسس انجمن اقتصاددانان ایران، مؤلف و مترجم بیست و چند مجلد کتاب ارزنده، در هشتم بهمن ۱۳۸۸ در تهران بدرود زندگی گفت.

در مجلس بزرگداشت او در «انجمن اقتصاددانان ایران»، در ۲۹ بهمن ۱۳۸۸ که با حضور بزرگان و اقتصاددانان تشکیل شد، او را «پدر علم اقتصاد ایران» خواندند. در این مراسم، قبل از نهار، این استادان سخنرانی کردند: دکتر حمید دیهیم، دکتر محمد نهبوندیان (رییس اتاق بازرگانی)، دکتر حسینی وحیدی، دکتر احمد کتابی، دکتر محمود فنadan، مرتضی چینی‌چیان، دکتر قاسم هاشمی، دکتر سید محمود کاشانی، دکتر فریبرز رئیس‌دانا، پروفسور

سید حسن امین و چندتن دیگر که پس از نهار به بیان خاطرات خود از این استاد پرداختند.

عمده‌ترین تالیفات دکتر فرهنگ عبارتند از: فرهنگ علوم اقتصادی، برنامه‌گذاری اقتصاد ایران و زندگی اقتصادی ایران. مهم‌ترین ترجمه‌های او عبارتند از: نظریه‌ی عمومی اشتغال، بهره و پول تالیف مینارد کینز، قدرت و رونق تالیف مانکر اولسون و دین‌های ایران تالیف گنو ویدن گرن.

این نیز نمونه‌ی خط و ربط آن زنده‌یاد در سن هشتاد سالگی (در یازده سال پیش) بر پشت کتاب دین‌های ایران است که نسخه‌ی آن در کتابخانه‌ی دایرةالمعارف ایران‌شناسی نگاهداری می‌شود:

«هستی، دوستی و زندگی / برای دانشمند گرامی جناب پروفسور امین / منوچهر فرهنگ - تهران - ۱۳۷۷/۱۱/۲۰»

هستی، دوستی و زندگی
رای بنیاد کارشناسان و پژوهشگران
۱۳۷۷/۱۱/۲۰

سفر به کویر: از نایین و میبد و یزد

تا خور و بیابانک و مهرجان

در روزهای پایانی بهمن ۱۳۸۸ کاروانی از دوستداران فرهنگ و هنر ایران‌زمین، از تهران به کویر مرکزی ایران سفر کردند و اردکان، میبد و مهریز در استان یزد را تا نائین، خور و بیابانک، جندق و مهرجان، بیاضه، مصر و فرخی در استان اصفهان را، طی پنج شبانه‌روز درنوردیدند. در این سفر که توسط دکتر مسعود ابراهیم‌شاه، مدیریت و برنامه‌ریزی شده بود، ضمن بازدید از آثار باستانی، مراکز فرهنگی و مردم‌شناسی و جاذبه‌های طبیعی و معماری، طرح‌های فرهنگی و توریستی متعدد نیز مطرح شد. از آن جمله در روستای مهرجان که باید همان مهرگان ایران باستان باشد، پروفسور سید

حسن امین:

الف. کلنگ «شهرک سینمایی مهرجان قلب کویر» را به زمین زد.
ب. از «مرکز ستاره‌شناسی و علوم مهرجان قلب کویر» پرده‌برداری کرد.

ج. در حسینه‌ی مهرجان راجع به حضرت رضا (ع) که در سفر خویش به ایران از راه طبرس و قومس به خراسان رفته و به قولی در مهرجان اقامت کرده، سخنرانی کرد.

د. در بازدید از مزار استاد حبیب یغمایی در خور، بر سر آرامگاه آن پیراستاد مطبوعات ادبی، راجع به خدمات خاندان یغما جندقی و آل داود به فرهنگ و ادب ایران سخنرانی نمود.

در برنامه‌ریزی‌های محلی این سفر، مجتبی اقبال (از فعالان فرهنگی و اجتماعی) که خود اهل مهرجان است، حضوری مؤثر داشت. عکس زیر هم‌سفران را نشان می‌دهد.

عکس از: محمد زیادلو با تشکر از: محمد حسین اقبال



خاطرات روزنامه‌نگاری من

رحیم زهتاب فرد

مدیر روزنامه‌ی اراده‌ی آذربایجان

نماینده‌ی اسبق مجلس شورای ملی از تبریز

۱- ما در صد سال اخیر با چند موج هولناک مواجه بودیم که خسارات و صدمات شدید و سنگینی نیز به ایران وارد ساخت. ولی از این حوادث شومی که مملکت و غرور ملی لطمه شدیدی خورد، انصاف باید داد که برکات ماندگار و تاثیر‌گذاری نیز داشت، یعنی هر وقت یک حادثه‌ی بین‌المللی و اتفاق ناگواری پیش می‌آید بلافاصله گویی پنجره‌های بسته شده با شدت هر چه تمام باز می‌شود و گویی هوایی تازه وارد می‌شود.

در ایران نیز از این موج‌های بین‌المللی مثل وقایع سوم شهریور ۱۳۲۰، یا ملی شدن نفت یا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و حتی ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، در تمام این حوادث بین‌المللی و اتفاقات تاریخی، ضمن این که ملت لطمات مالی و حیثیتی به ایران و ایرانی وارد شد. ولی کتمان نمی‌توان کرد که سودهای ماندگاری نیز در برداشت و یک دور سطحی به تاریخ این تحولات، حتی از جنگ بین‌المللی اول می‌توان به سهولت دریافت که گویی پنجره‌ها بر روی ملت ایران باز و تحول چشمگیری به وقوع پیوسته است، درست مثل رعد و برق غیرمترقبه در رضائیه [= ارومیه] و ایجاد رعب و وحشت احياناً خرابی‌هایی ولی در کنار آن ترک خوردن غیرمنتظره‌ی زمین و برآمدن قارچ‌های خوراکی خوشمزه از زمین که خیلی هم گرانبهاست.

این‌جا نیز دستی در محیط پر از خفقان و خموشی خفقان‌آور گویی یک‌باره سیلی از طبقه روشنفکر و فرهیخته به صورت نویسنده و گوینده، شاعر و خطیب و استاد خودنمایی می‌کنند، باید بپذیریم که این تضاد سیاسی بین‌المللی کشورهای جهان و بازی‌های نفتی و اقتصادی و مسابقه‌ی تسلیحات نظامی، شایعات روزافزون درباره‌ی بازی‌های سیاسی و خلاصه به ظاهر جنگ سرد، چشم‌غره رفتن بعضی از ممالک هم‌جوار و وضعیت و شایستگی بعضی از قدرت‌های مقتدر جهانی و بحث‌های آزادی مطبوعات و

همیشه خاموش زده می‌شود و دفعتاً می‌بینید که هزاران جوان تازه‌نفس و آرزومند و فرهیخته و روشنفکر و دردمند و دردآشنا بیش‌تر با اسلحه‌ی قلم و فکر و سخنوری وارد میدان می‌شوند. البته طبیعی است که همه یک جور فکر نکنند، بعضی‌ها با حسن نیت، راه انحرافی را برای رسیدن به مقصود تشخیص دادند و بعضی‌ها به راه دیگری می‌رفتند و هیچ کدام از فراز و نشیب راه هم نمی‌هراسیدند. همین‌جا بود که دو دستگی به وجود آمد و شکی نیست که بعضی‌ها نیز از این اختلاف سلیقه‌ها بهره‌برداری مالی و سیاسی کردند و تا توانستند به این اختلاف و دودستگی دامن زدند تا هیچ یک از دسته‌ها، صد در صد به مقصود نهایی نائل نشوند و این بازی این دسته هنوز هم ادامه دارد و ادامه خواهد داشت.

مقصود این است که هیچ‌کدام از این گروه‌ها به مقصد نهایی که رسیدن به آزادی و تحقق حقوق بشر است، نائل نشدند. باید حد خود را بشناسی، موضع را خیلی جدی نگیری، از آزادی حقوق بشر، شما به اندازه‌ی جیغ کشیدن هورا و زنده‌باد گفتن و شعار دادن‌ها و احتمالاً پشت سر یک یا چند شخصیت افتادن مجازید آن هم پشت کسانی که ابرقدرت‌ها قبلاً از سال‌ها پیش بیوگرافی آنان را از هر لحاظ زیر نظر داشته و به جزئیات نقاط ضعف و قوت و فکر و سلیقه و حدود خواست و توانایی آنان جزاً و کلاً آشنایی دارند. پشت سر چنین شخصیت‌هایی افتادن هم شما را ارضا می‌کند و هم ظاهر پسندیده دارد ولی ما می‌دانیم که این بار را تا نصف راه می‌اندازد. زمین تا آنقدر آل و آشغال اضافه می‌کند که مطلبی از راه اول دور می‌شود و لذا در این مورد و در مورد چنین شخصیتی هرچه دلتان می‌خواهد جیغ بزنید. کتاب بنویسید، گروه راه بیان‌دازید، به مرور زمان مداحی کنید به خاطر ادامه این خطاتان و حمایت از چنین شخصیت‌هایی تا می‌توانید مصلحت دید به هم بد و بیراه بگویید، مضایقه نکنید به طوری که بعضی از نویسندگان و محققین ما هم که خود ظاهراً استاد دانشگاه هم هستند در مواردی حمایت از این رجال و حتی محکوم کردن سیاست گویا استعماری خود ما را قلم زده‌اند بازار را تا می‌توانید داغ نگه دارید ظاهراً مردم را مأیوس نکنید، در این راه هر چه بد و بیراه بدهید و به قول خودتان سند هم به ضرر ما منتشر کنید، راه خطا نرفته‌اید، فحش از دهن تو طبیعت است، در این موقع کاملاً صدق می‌کند چون شما را به بی‌راهه می‌کشاند همان راهی که نهایت آرزوی دنیای شرق و غرب است.

مقدمات کار درسته، تکان خوردن مردم و آشنایی با آزادی و حقوق بشر، زمینه‌ی این فکر را دارید و فرصت‌های بین‌المللی و جنگ سرد مابین ملت‌ها و ابرقدرت‌ها به خصوص جنگ نفت و فروش اسلحه و مداخله‌ی علنی در رژیم و هجوم به بعضی از کشورها بود که دفعاتاً هزاران جوان تازه‌نفس و تند و آرزومند مستعد را وارد میدان کرد. خیلی زود و زودتر از آن‌چه که فکرش را بکنید، به ظاهر رشته‌ی امور را به دست گرفتند مثلاً در مطبوعات، اطلاعات و کیهان صدها نویسنده‌ی جوان و پرکار و تحصیل‌کرده دور خود جمع کرد به زودی جوانان تحصیل‌کرده و شایسته‌ی امثال دکتر خانلری مجله‌ی سخن و دکتر مصطفوی، دکتر بهزادی، دکتر عسگری، دکتر کاسمی و... با صدها جوان و شاعر برجسته وارد میدان شدند از آن طرف هم ایرانی یا عده‌ی نویسنده شایسته وارد شد و توفیق خیلی زود جای خود را پیدا کرد.

تدریجاً ایران، به خصوص تهران، تریبون آزادی شناخته می‌شد، به خصوص که احزاب صاحب ادعایی هم مانند حزب سومکا به رهبری دکتر داود منشی‌زاده، مبارز کم‌نظیر تاریخ نویسنده و محقق تاریخ و با روزنامه‌ی آگاهی‌بخش خود به نام سومکا وارد میدان سیاست و مبارزه شد. حزب پان ایرانیست به همت یک عده از وطن‌پرستان شایسته و مبارز مانند دکتر عاملی تهرانی، دکتر طالع، دکتر تجدد، دکتر صدر، دکتر روح‌بخش و صدها و هزاران افراد بارز و آرمان‌خواه به رهبری محسن پزشکیور اظهار وجود کردند و بعد از خیلی کم روزنامه‌ی خاک و خون راه انداخته و به مجلس نیز راه

یافته و فراکسیون پان ایرانیست را تشکیل دادند. البته شخصیت‌های سیاسی امثال دکتر بقایی کرمانی، خلیل منکی و بالاخره جبهه‌ی ملی و بازاری‌ها و شصت هزار طلبه نیز با صدور اطلاعیه و اعلامیه و برگزاری اجتماعاتی حضور خود را می‌رساندند. واعظ شهیر فلسفی نیز هر روز در مسجد مجد بیانات انتقادآمیزی داشت و همراه این سر و صداها، حواس‌ها به گفتارهای انتقادآمیز دکتر علی شریعتی و فعالیت‌های مسجد قبا و مهندس بازرگان هم جلب می‌شد و آقایان جعفر بهبهانی و برادران رشیدیان و دکتر فرود هم جلساتی داشتند. با همه‌ی این‌ها، نوک سرنیزه و شمشیر بالا سر همه نیز نمایان بود. البته از جلسات و نشست و فعالیت توأم با تروریستی فداییان و مجاهدین [منافقین بعدی] نیز نمی‌شد غافل بود، فداییان اسلام هم کار خود را با گروه‌های تازه نفس ادامه می‌دادند، خبرهای خیلی تند نیز از بعضی کشورهای عربی به گوش‌ها می‌رسید و خیلی از فعالین بیش‌ترین فعالیت خود را در خارج از ایران متمرکز کردند، به طوری که مطبوعات خارج، به خصوص انگلستان و فرانسه و سرازیر شدن مخبرین خارجی به ایران و دلگرمی دادن به رجال سیاست و مصاحبه با آنان یک رویه‌ی معمولی بود.

خلاصه‌ی کلام، در وقایع پس از شهریور ۱۳۲۰ و نیز در دوره‌ی ملی‌شدن صنعت نفت و بعد هم در اوایل انقلاب ۱۳۵۷، مدتی فرصت جولان دادن سیاست‌ورزان داخلی و آزادی مطبوعات فراهم شد. (ادامه دارد) ■



مکان:
دفتر ماهنامه‌ی حافظ
زمان: ۱۳۸۳

ایستاده: مرحوم مهندس مولوی عربشاهی - دکتر قاسمی - دکتر متقی - سرلشکر فرید - امین - متقی - مهندس خراسانی
نشسته: فضل‌الله کاسمی - مهندس همایون خرم - رحیم زهناب‌فرد (نویسنده‌ی مقاله)